

(روحیات اجتماعی)

در شماره [۳] اشاره نمودیم به دو کلمه جامعه از کلمات (گوستاولون) فرانسوی یکی از آنها این بود * هر جامعه را دین و دستور آسمانی ضرورتی است * کلمه دیگر او این بود * اهل هر عصر که طالب ترقی و سعادت باشند نباید روابط و صلوات رفتاری را از عصر ماضی قطع نمایند بلکه بایستی از تقالید متینه سابقه و رويه معقوله پیشینیان احترام و تقدیر نمایند * اصل عمده مقاله دانشمند عراقی مقیم در پاریس که از * المرشد * نقل شد در این شماره مجال برای ذکر آن باقی نماند اینک جبران میشود -

سیاق تاریخ بما نشان نمیدهد انقلابی را بزرگتر از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ م چه این انقلاب در میان نوع خود از هر جهت برتری داشت * نظیر نهضت ترکیه در چند سال قبل * این انقلاب طرز جامعه فرانسه را بکلی تغییر داده اسلوب جدیدی را در آن محیط تشکیل داد و بکلی و جوه نظام و زندگی و حقوق و طبقات و مبانی و مؤسسات و و و و دفعه واحده تغییر پیدا نمود اصل و منشاء این انقلاب نبود مگر يك مرام باطل که بطلان و مضرت جامعه آنرا هر صاحب عقل و وجدانی احراز و تصدیق آن نموده و آن مرام عبارت است از * قطع کلیه روابط اسالیب عصر ماضی و تأسیس جامعه جدیده ضد جامعه سابقه * سپس در انجام مقاصد خود در تحت این پروگرام شروع نمودند به تخریب ابنیه عالیه و قصور ملکيه سابقه و تضييع عادات دینیه و حقوقیه و عائلیه - در نتیجه افراد آن مملکت با قسائمها در چهار محاذیر شدید گشتند [سلطان و عائله اش]

دو چار فقر و مذلت * اشراف مملکت * مهاجر از دیار و اوطان (ملاکین) املاکشان ضبط * دیانت و مواد مذهبی * محکوم بقنا و قطع اثر (حقوق) دو چار تغییر و تضییع پس از خاتمه این هیجان مبده عصر جدید فرانسه نامزد گردید و روز اعلان جمهوریت را که ۲۲ سبتمبر ۱۷۹۲ م بود مبده تاریخ جدید قرار دادند و اعلانی راجع بحقوق نوع بشر زدند معلوم باد آن اعلان که راجع بحقوق انسان در آن ثوره و انقلاب زده شد ابداً مقابله ندارد و مقایسه نمیشود با اعلان مملکت اسلام (الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم) که ۱۲ قرن قبل از آن زده شده و حفظ مراتب حقوق و تساوی آن بین سید قرشی و عبد حبشی که از طرف شارع مقدس اسلام مسیس مطلق حضرت ختمی مرتبت * محمد بن عبدالله * صلی الله علیه و آله و سلم اعلام و نشر گردید بر احدی مخفی نخواهد بود اگر چه گوشه‌های حقیقت اصغاء این نداء روح فزا را ننموده و قدر این قانون جامع اساسی نبوی * ص * را ندانسته ایم و عمل به طبق آن کمتر مینماییم همینقدر معترفیم که قوانین اسلام راجع به بیچ امری از امور معاش و معاد نوع بشر به بیچ وجه فرو گذار نموده و واسطه نیل بسعادت ابدیه میباشد * هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست * *تال جامع علوم انسانی*

اسلام بذات خود ند از دعیبی هر عیب که هست در مسلمات ماست

(لطیفه)

شخصی بخوردن انجیر مشغول بود ناگه یکی از رفقای او رسید چون نمیخواست کسی در خوردن انجیر با او شرکت نماید ظرف انجیر را زیر دامان خود پنهان